

فکر و سیاست

صاحب امتیاز و فواید اساسی و غیر زاده غشقی

اداره مطبعه: خیابان اسلامبول

دو شنبه چهارشنبه جمعه

تک نمبر ۸ شاهی

پس از يك هفته يك قران است

کاپیمه هفت جوش

افکار قیاسی و عناصر دیگر باین دارند از این کاپیمه نمیشود چیزی بداند و پس بند بندگی اش بگرین انداختن کاپیمه کائنات را کاپیمه نیم بنداسم گذاری کرده بودند اری چشم اصول فکر موج همت گرفته سوز نیم بند چیزی دیگر نمی یابد اسان الکن جز کلامه نیم بند نمیتواند قوه کند از سابقه منحرف عقیده فاسد قلم حنا غیر از بند و نیم بند انظار برای نداریم این اشخاص در روی زمینه بالانری نمیتوانند قلم فرسایی کنند ما هم تا آنروز میگوئیم آفتابان همان کاپیمه بر خلاف میل و بر سر غم الف شعا امروز کاپیمه هفت جوش کردید پروگرام خود را از مصوب مجلس گذارید و هفت جوش شد نمایمات قوام السلطنه دست بند ایامی نصرت الدوله و انتشار ورق پاره های نیم بندی بقدر آنکه يك بند کاغذ هم عاید نمائید فایده نکرد عریضهای مدرسی با آن همکال و ابلا و فریاد های بوج شود خواننده پند پروازی های او در پشت قریبون هیچ خبر ندارید و نگردد هم او و پرت اوکی های افای بند بقوب کترات شده قوام السلطنه و فرمان فرما لگنتی در کار بنداخت

سحر با معجزه پهلوان نزد دل خوشدار بانی چشم بندی - شعله بازی دسپه و قلب آسمان حقیقت را نمیتواند با خیانت و اشتباهکاری از دیده حق بین ملت مآور امید سینه های بوی آرایش مردمی برای

دولت و قیام مجلس برای تماشای نقشه قدرات ملت باسم تماشایی در مجلس حاضر بشود که از مواجعه قیافه های السلطان (صه) فری نصرت الدوله) به تذك آمیزه ویی اظهار سرفه میکنند

اینها میل دارند هر چه میخواهند بگویند آتش افروزی کنند من مجلس را رود زور خانه و محل جست و خیز و غرض و رزی قرار داده بشود خیزك جار کشی باشند و سنگ قوام السلطنه را بسپه بزنند با کاپیمه صالح مخصوصه مردم در مقابل حرکات ایشان ساکت و در دیار باشند حتی سرفه میکنند خیلی منحنک است

پریشب هم صدای سرفه از والای حاضر مجلس و تماشای در مرقع پرت کوئی سهام السلطان بی اختیار از سینه ها بلند میشد حق ایشان تذك شده گفتند جری سرفه میکنند اینجا مجلس نیست اینجا بازی کر خانه است و به حضار تفریح داشتند

باین است سینه های مردم برای هدف شدن از خرافات نیم جوش و رزی شما حاضر نمیشود اگر حاضر نمیشود چنانچه قوام السلطنه و مزدوران او را مشاهده کنند و هیچ نگویند مردم نمیتوانند به بلند شما و نصرت الدوله ها و آن یکی دیگر دود در مقابل کاپیمه حاضر - کار شکی و اشکال تراشی کرده هر چه میخواهد بگوید هر کار میل دارد بد بگوید کر چه دسته بندی های پر شش بسیار مهم بود

سؤال از کتو عیلمسپیو

از قراریک یکی از سخنرین سری با اطلاع میدهند وزیر مالیه سابق که شمارا با صرار بالا دست خودش در درشکه جا میداد و معاون وزارت مالیه حایه از کسای هستند که برای بد کار کردن دولت به ارباب چشید اولی بازده هزار تومان و دومی پنج شش هزار تومان از ارباب چشید رشوه گرفته اند و راپورت این مسئله را برایشان بایک حایه داده اند و ایشان هم بشما اطلاع داده است

ما از شما سؤال میکنیم که در این دوخصوص شما چه اقداماتی کرده اید تا برسم بحساب آن اشخاص عیدیه که قریب سبده هزار تومان از ارباب چشید رشوه گرفته اند و چهارصد هزار تومان دولت را باو بد کار کرده اند

قرن بیستم



دومین بیان موزون بر علیه قرار داد ایران و انگلیس

نام دژ خیم وطن دل بشنود خون می کند

پس باین خونخوارا کر شد رو برو چون میکنند

آنکه گفتی بحر قرآن را همی باید نمود

شعرب این گفته با سر آینه مفرور می کند
وای از این مهمانت که اندر خانه شما نهاده هنوز

بای صاحب خانه را از خانه بیرون می کند

داستان موش و کوبه است عهد ما و انگلیس

موش را کر که به برگرد زها چون می کنند

شیر هم باشم گر مارو به دهر است او

شیر را رو با هم سروف است منبونی می کند

هیچ میدانی حریف ما چه دارد در نظر

این همه خرج گزافی را که اکنون می کنید

انگلیس ابدون دلش بهر من و تو سوخته

آنکه بر يك وجب شك این همه خون می کند

اقدوی دایم اسر و زار که بر ما داده پنج

غاز فردا دهوی پنجاه میلو می کند

آنکه در آفریک بر يك بیابان چشم داشت

چشم پوشی از دبا د کچ قاروت می کند

دزد ره زن دزد نادان است راحت پشت میز

دزد دانا دزدی از مجرای قانون می کنند

گوش آوخ نه هذ این ملت بدین ها گردهد

گوش از این گوش ازان گوش بیرون میکنند

ورنه میله نام در احساسات این بی حس نژاد

گفته های من نه چیزی کم نه افزونی می کنند

ای خدا جای تشکر چشم زخم می زنند

چشم من هم چشمی از بارود و جیوت میکند

عشق از عشق وطن آن - ای مجرب گشته کین

کینه دیوانه جانون نمایم معجون میکنند

یکشت مردم ساده لوح و عده رفقای جاهل پندان و بازار را بطرفداری خود در مقابل آزادیخواهان در حیطه مجلس دعوت کرده و فروات مهمی در قبال آزادی و آزادیخواهان تشکیل داده بودند اما از آنجا که آن اشخاص برادر های بزرگ ما و در قدرت با ما شریک و سهم هستند ما و چون نواز حاضر صلیب طب از دوسالمت با آنها وارد گفتگو و مذاکره شدیم و در نتیجه بطوری از سبهاکاری و خیانت های مفرضین مساجد حاضر کرده با يك صمیمت فوق العاده قبال خود را به مصوب پر گرام دولت اشعار داشته و با اكمال حرارت با آزادی خواهان همنفس شدند بدین است دسپه کاری در مقابل حق و حقیقت دوامی ندارد و هیچ کسی حاضر برای حق گشی است در خانه برخلاف میل طرفداران قوام السلطنه کاپیمه نیم بند را همان هفت جوش و با که بالا هم تصور نمود - ما باین زودی نمیشود غلبه کرد و در پیشانی او نوشته شده است خداو راستی - و اراج پیشانی شما پول دروغ است

اظهارنامه
برای اطلاع عموم
با اتمام سال چهارم و بعضی نظریات دیگر و تصمیم قطعی راجع بقطعی سیاسی سال پنجم موقعا در حال تعطیل است و غی توانستم در خصوص توهین به لیدر محترم حضرت آقای تدین نماینده حقیقی طهران بطرف باشم

لهذا بوسیله این چند سطر از پیش آمد اخیر اظهار تاسف نموده نسبت بدینگونه قضایا با نظر خوشی انخواهیم انگریست
(مدیر علاج)

نامه صلای اسلامی
از روز ۳ شنبه ۲۴ رجب ۱۳۴۱
هفته دوشماره در چهار ستمه بزرگ
مانشر خواهد شد

اعلان
همرم علاوه برندان بمالک و انتخابات را بشارت کفدای اسلام آقای امجد الواعظین از جمعه آینه سه ساعت بمروپ آمده در بصحن حضرت عبدالعظیم صومعه انتخابات اظهاری آتین خواهد نمود بشما بید برای بیداری و دانش و نظریه
امجد الواعظین

دکتر (با مقام) معلوم شد نو خیلی حقه بازی بازی بازی بارش ما هم بازی شوخی با کسی کن که اهل شوخی دانی با هر کسی ممکن هر کسی دارد عنوانی ظالم عنوانی در کشوری که دزد دسبست اقتضای تو هم اگر دزدی گنه نداری گنه نداری گیرم و محصل شوی کوی دارا انونست که تو پرفسور از آت بیانی بیرون بیانی بیرون

دکتر با خود - و انما این اچه خالی هوشند است خوب است من او را به برم ز پست کنم - بچه بیایم بر دایم والا میگویم جسته کند

و بای حال - دستم به دایات دکتر من فقط این چه را دارم اگر از من دور شود حق خواهم کرد

دکتر - این بچه حیف است زیر دست تو بنامد اولاد تو هم باشد من تو چشم میکنم اچه دارم که این استناد اولاد که دزدی درو آموخته من د (خبر یار یاروز د) است قران ملی که به که ا را گری زد می کند کشان کشان برود برده می ا (تد)

دفاع

رد لایحه دفاعیه از حاج میرزا عبدالوهاب وکیل همدان

مقدمه در جریده آسیای وسطی و در جریده پرنو

نکارتد لایحه دفاعیه جناب اظهار میدارد که در موقع پیشرفت متجاسرین کتلان اهالی همدان تقاضای اجازه دفاع از حاج میرزا عبدالوهاب نموده و چون این اقدام مخالف مقتضیات بود آقای حاج میرزا عبدالوهاب چنین صلاح دانستند که مراتب بمقام اطلاع داده شود و اقدامات مقتضیه بعمل آید...

اما اینکه حدیسی آقای عشق را بخودی دانستن انگلیسی ها آقای حاج میرزا عبدالوهاب دلیل بر آنست آنها بداند طبعی محل تعجب است زیرا آقای روحانی دیگر در همین بنوعی و عالم و بقیه تر زیاد است اگر ایشان را بیگانه میدانستند...

این وسیله مودت و دو قی (خود را بچندین سبب) بر خورده باشد سوء طبعی شدیدی نسبت به آقای پیدا نموده روابط ایشان را بآن مقام اجلی بخوبی میفهمد و لی بدینوسیله است لایحه القاب الاله و ...

اما در موضوع انتخابات عقیده ما این است که انتخابات دوره چهارم گذشته از اینکه جریان انتخابات اذوار گذشته را نموده بک فک از ریختن هم از حبه ملت ایران بهیچ نموده است بلی ممکن است آقای حاج میرزا عبدالوهاب زحمت ایشان کبرای و کات ایشان خدمت کرده اند...

هل اکبر خن باس حاجی قلی خان و شیخ العک سارق که سرقت او بر دولت و ملت پوشیده نیست یا همان زاده و اقاربهائی که در بولک و یا در شهر با ایشان مساعدت نموده اند والا ملت همدان کیان و تکرانها را اظهار آفرینی نموده اند...

این موضوع موجود است که از وکالت ایشان شدیدا اظهار نفرت نموده اند خلاصه اینکه همدان دارای هند بولک و شهر است برخلاف تدبیر آقایان نظار که ایشان هم جزء آنها بوده اند از طرف سالار لشکر بر فرمانبردار نبیند و سایر مردم هم از انتخاب آقا بوده اند از طرف عهده از آزادی خواهان میخان اب...

و این قسم باید بخود را به خود ملت تحویل نمود ؟ این است معنی وکالت ؟ آیا از این نماینده محترم غیر از ایشان و دشمن و دشمن پروری و یا با ما می دوست تومان از جیب ملت فقیر فائده سراغ دارید...

آقای ح . ش - آقا میرزا عبدالوهاب جنبه عقلی و روحانی هم که نداشته اند در همدان که از این راه به توان فرض نمود که مرجع طبع باشند زیرا اکثر ایشان فضل با تقدیر روحانی داشته اند...

در میان و فاصبین خود را شناخته و اظهار بحساب دعوت نموده و بالاخره حاکمیت ملی خود را محترم بشمارند که مزج بشوال و جواب های ما و شما نباشد...

در همان وقتیکه آقای حاج میرزا عبدالوهاب با آن هیکل سلام رسولان کفایت های عشق بازی از قشور انگلیسی دریافت می داشتند این صفتهاست...

در طهران اسباب خنده نباشد

صمیمان الزلی

نوسط حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا صاحب مقدس شوالی ملی شیدانه ارکله سواد - انعاده مر کزی کار کران طهران مورخه ۲۸ برج جدی ۱۳۰۱

ناخون از بابت باشروت و ظالمان با فرت از جهالتی و نادانی ما استفاده کرده حقوق حقیه مارا هتو و حیات ما رنجبران را برای تمیض و تمنع خود زهر آلود نموده اند آنچه ذات بود کشفیم تا آخرین درجه شرب فلج زندگانی را چشیدیم هر یک در گوشه داد و فریاد آ و فله و زاری کردیم بگویی هیچکس زلفت و در قلب هیچکس نفوذ پیدا نکردیم انصافی نمود این آست که امروز ما فردا قهله نماد برای مبارزه حیات حاضر شدیم و هیچگونه ظلم و نسی را قبول نخواهیم کرد...

اخبار و محفل

روز گذشته دوازده ساعت بعد از ظهر سفر کبر اسلامی همدانی در منزل حضرت حجه الاسلام آقای حاج آقا جمال الدین مجتهد تدریس برده و مدتی مشغول مذاکره و صحبت دینی بوده اند...

سربل محمد حسین خان دبیر پیشانی از روز ورو برشت با یک جدیت فوق العاده مشغول تنظیم و اصلاحات قشوقی هستند بطوری که در این قبیل مدد بکار حال روحیه قشون تغییر و بطوری با مردم خوش رفتاری می نمایند که اسباب امیدواری علاقه مندان است...

بچه که خدا با من بد که چه بگویم من پیش شکر نعم خوردم به قرآن ملی منم بطوررا عشق را بگویم اگر بگویم بد عشق را چه کنم از همه بد تر این ضربه هم که اسباب رحمت شده میگو بد که عاشق شفته خالم وارد می شود شفته خالم - دیکر من طاعت نمازم بقی بدن بدن که همین روزها خود را خواهم کشت بچه که خدا - خاتم من بشما شکتم که می توانم خواستن شما را بجا آورم - شفته خالم - آه کفیه و با مقام میخواند به سر زنده عشق آفتاب سبزه زل که خاکتری مانده ز آینه دل وای آتش گرفتار - وای آتش گرفته...

بقدره

گرفته گرفته آتش عشق تو از پایا - سرم رومی
انان آتش گرفتم یار بر خا - سرم رومی
به نك دل داده کی به نام گری مرا - خدا غایت کند تمام گری مرا
بچه گدا - (با مقام) - مکن خانم اتقد زاری بر آیم
که من خود بهای دگر دینایم
وای آتش گرفتم ای آتش گرفتم
[از اول شعر بچه گدا و شیفته جانم بهم میخوانند]
گرفته گرفته آتش عشق تو از پایا - سرم رومی
وای آتش گرفتم یار بر جا - سرم رومی
به نك دل داده کی به نام گری مرا
خدا غایت کند تمام گری مرا
شیفته خانم - (با مقام) جواب با جوانی من
گر بکفی - (با مقام) که خیر از جوانی نه بینی
وای آتش گرفتم وای آتش گرفتم
بعد از اول گرفته بهم میخوانند -
بچه گدا - خانم از من - (با مقام) میگویم من خودم

کتابت دار زاده

میرم وقت زادہ، مخلص بنیادی

یك حسی حونی

(انتش در سرنا - بین انهرین) از قرار اطلاع خصوصی که موقع بیان صفحات رسیده :

باز چهرش مششار اقبال دبوایه در دغاره که از توابع دیواله است استغافای مسلمانها از فشار و مظالم انگلیس اورا عصبانی کرده با ضرب هفت تیر بگنفر از رؤسای اعراب راه افتاده و در این شتارت اعراب به جان آمده اشرار را آشفته اند بلافاصله زمامداران انگلیس تقریباً سصد طیاره در آن محل اعزام داشته و بعد کجیری زیر بار آتش فشانی طیار ها قتل عام کردند دود فیهاله این واقعه احرار بغداد در ایستگاه خط آهن باب الشیخ با انگلیسها بی عاطفه زد و خورد کرده و خوش بختانه رئیس ماشین کلی گشته شده است در اثر این پیش آمدهای نا آوار انقلاب خونینی دوسر تاسیر بین انهرین ریا و مسلمانها ملک اسبران معصوم در زیر بار آن آتش کارکنان موات بر طایفی کبیر افتاده اند از این زد و خورد مجروحان بسیار شده بود من همین مطلب را سر مقاله میکردم و میدانستم چه باورسیم مقایسه هشت از شب این خیر رسید یاری سیاست مداران انگلیس از این واقعه معلوم میشود که پشت و پا به تمام عواطف آدمی و آدمیت زده اند این فرزندان کرامول که خود را معلمین تمدن جمعیت انجان امروزی میدانند تمدن و انسانو انسانیت را به تمام کردند اخر ای کدبیکه خود را معلم انصاف و ممدن قرن بیستم میدانید شما وقتی که نصیب دیوانه را بهماردمان می کشند فکر نمیکنند که در این ناحیه بچه های دوساله یافت میشود که هیچ کنایه ندارند جز اینکه خلق شده اند چه این - جو د است دوساله را محو میکنند ای طرفداران مظلومیت ای نژاد انگلوسا سون به مشرق زمین ها اگر رحم نمی کنید بگر حمی به نژاد آند خودتان بگر حمی به بالاخر مشرق زمین در آید بیک قدرتی پیدا خواهد کرد که اتمام خود را از نسل آینده شما بگیرد و در آنچه میدانی بکن ای دشمن قوی من ابرار قوی شوم از ایل بار کتم دشمن انگلیس و انگلیسی (عشقی)

سحرین ولایات

باز هم مکتوب از زرنند

شکایات پی در پی و مکتوب ب فصل از طرف اهالی زرنند بانی بر تشکی از مظالم و نددیات حکومت نظامی و اطرافایش با ازمه واصل و ما بهیچ وجه کار ندایم باینکه نوشته ها کان این شکایت نامه ها جامل و غیر ذی حق و با ر اثر نیان موقظین - حکومت آنجا این اوضاع را اپا کرده و یا اذلم اراست آنها و انبیت دارد و در حقیقت مجاز آید اند در هر صورت ما با وجود سلطنت مشروطه بکلی با حکومتهای نظامی منافی اند

آند انصاف و قانون مشروطیت دانسته و از اولیا عامه و وقت انقضا نموده و نویسه مینماییم که هر چه زود تر یک نفر حاکم صالح غیر نظامی بجای حکومت حالیا زرنند اعزام داشته تا در هر صورت رفع شکایات اهالی شده و خلاف قانونی هم شده باشد قرن بیستم اوضاع مالیه

مدنی بود که اهالی از تعدیات داش عیسی رئیس مالیه به طهران شکایت داشته و تقاضای اعزام مفتش را نموده که صحت و سقم شکایات آنها معلوم شود تا بانه هفته قبل مهرزا همایول خسان بدین سمت مسامور نقیض عداوت رئیس مالیه وارد قم شد و شروع پرسیده می نمودند چادین فقره کشف شده که ذیلا مروض میدارد -

ادوست تومان وجه نقد که بخط و مهر خود ایشان بوده کاز یکی از تجار گرفته و به حساب اداره نیاورده در موقع شتوای از این قضیه جوابا اظهار داشته که این خط و مهر نه نیست بعد از مطافه کردن معلوم شد که خط خود ایشان است (وین در سنه ۲ - - دویست تومان کاز زارعین گرفته توسط سپهبد معیل فاخر بوده و توسط یکی از تجار برات طهران گرفته این هم ثابت شد و گرفتن جو و کدیم در راس خرمن بهزان گفته آقای رئیس حساب او معلوم است که چه میزان بوده

بمناسبت اینکه دیشب سه ساعت از شب رفته کابینه با اکثریت ۹۴ رای تصویب شد قطعه ذیل فی البدیهه قطعه سروده شد

ای یار لطیفه گوی مرشد
کابینه نیم شد خواندی
دیدي که بر غم گفته تو
از من تو بگو بر شد خود
گویا تو خیال کرده بودی
کابینه کند سقراط از تو
زن پس تو باین خیال آتی به

با آلمه منطق چرنیدی
این دولت آروزی منیدی
شد دولت شصت و چار بندی
کای خان صد هزار قندی
با این سخنان ریشخندی
چون ز بهری تو بر بندی
در خانه بمائی و بگندی

تنگر افات رتو

پورچه بهجشامه ۸ مارس ۱۹۲۳

نگر ارب اندازی

فهره - امروز بواسطه پرمناز شدن -

بوه همچنان غربی تولید کردیدی از شب ها در مرکز قوای علامت و نشان انگلیسی پر تاب کشت و لی منفر نشد دیگری در قوه خانه نزدیک بر کز ارکان حرب نظامی انگلیسی افساد شد و از قرار معلوم يك نفر مصری مقتول و يك نفر مصری دیگر و سه نفر سرباز انگلیسی مجروح شدند ترنکین نیز زانما کر بخنداد

حمایت دررم

رم - سه نفر کوشش میکنند که قهرا داخل سفارت آلمان شوند که در نتیجه از می که بوقوع پیوست کاوله بدل نایب سفارت اسات نموده ولی هر سه نفر مصر دستگیر شدند (مومو یولیس) نیز از سفر آلمان معذرف خواسته است

ساختن تذکر افخانه های بی سیم امروز - (پارلا) در مجلس بهرمان اظهار داشت که دولت قصد دارد ایستگاههای تلگرافخانه های بی سیم برای معاشرت با مامورات بسازد و منجا و زو غیره ایجازا به ایگار را بدهد

میزان مبادلات

نرخ مبادلات خارجه روز ۶ مارس در لندن بر حسب میزان لیره از این قرار است -

پاریس - ۷۷/۱۳
ایتالی - ۱۰۶/۵۰
برلن - ۹۸/۱۰
ایویرک - ۶۹/۹۹

ایاتنا حضرت عیداعظم میشود دوبد

ورزشگران باید تشویق شوند

روزجمعه ۱۲ رجب در بیرون دروازه حضرت عیداعظم عده که در کنار آقاخان ذیل بهیمنت آقاخان محصل مدرسه علوم سیاسی محمدخان مغربی محصل مدرسه مبارکه دارالفنون میرزا محمد آقاخان احدی نمره ۸۶ مدرسه نظام کتقشون احمد میرزا مدرسه سن لویی و مرتضی نظارت آپورث میرزا فخر یالی در ساعت پنج نیم بعد از نصف شب شروع به بودن نمودند در هر ۳۱ دقیقه بدون توقف فاحضرت عیداعظم ۴ دویدند اند و اذیت گلوب فوت بال قرب آقاخان فوق الذکر را تشویق و نمیدیدیم و خیای خوشوقت شدیم که جوانان باوقوی درازان هستند که مایل به اسبوز و غیره بهباشند و درخامه از میر مهدیخان ورزشده درخواست مینمایم که آقاخان فوق الذکر را تشویق و تمجید کنند

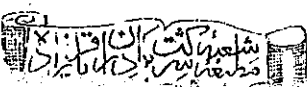
دفاع گلوب غرب

گنفر انیس عمومی

روز ۲۱ شهری جاری سه ساعت بنروب در مجمع دموکرات

آقایان گنفر انیس جالب توجهی از طرف هم مسلك محترم آقای دکتر مهدیخان ملک زاده ایدر فقره دموکرات داده خواهد شد و ضمناً بیانات مفیدی راجع باستعمال منسوجات وطنی خواهند نمود از عموم علاقه مندان باصلاح مملکت برای اجتماع دعوت میشود

مدیر مجمع دموکرات - موافق



سجده ۲۸

مبتلا مسلم

شیفته خانم - مبتلای که هستی
بیه گدا - مبتلای من چه میدانم و کی و کی دکتر
شیفته خانم - دکتر ما نم است که تو با من بسازی
بیه گدا - دکتر خیر آخر تو شوهر داری
شیفته خانم - افسر تو بن قول به می من از شوهرم طلاق می گیرم

بیه گدا - برای خودم چه گشتاری پیدا کرده ام و هست دون پیشانی گدا رده و آه کشیده با مقام میخواند

بهدرمان است این درد - کاظمهار نتوان کرد
در دیده اشک گرم در سینه آه سرد - ای خدا عشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم
شیفته خانم - از وصل نا امید بشکر چه ها کشید
این روسیه ز عشق ای ماه رو سپید ای خدا عشق دیوانه ام کرد عاشقم عاشقم

از بیروت صدای ای قزاقی ملی آمد شیفته خانم میبرد پشت برده میگوید من عقب درستم -
قزاق ملی - (خطاب به بیه گدا) (نه ما شتم ما شتم چه عاشق هم شده ما را رگ بسته -